

تعیین کننده های گرایش به بزهکاری در بین نوجوانان و راهکارها

مطالعه موردی (دختران و پسران ۱۸-۱۳ ساله ساکن در شهرستان کرمانشاه)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۱۸)

فرزاد پرهوده^۱

دانشجوی دکتری، جامعه شناسی مسائل اجتماعی، بوعلی سینا همدان، ایران

سلمان امیری

کارشناس ارشد علوم اجتماعی، علامه طباطبائی تهران، ایران.

حامد حسینی

کارشناس ارشد علوم تربیتی، خوارزمی تهران، ایران

فریاد پرهوده

مدرس گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور

چکیده

یکی از مسائلی که در دنیای مدرن نوجوانان درگیر آن هستند گرایش به بزهکاریهای اجتماعی است. وقوع بزهکاری در نوجوانان به یک نگرانی اجتماعی بزرگ تبدیل شده است که ناشی از عوامل مختلف در سطوح خرد و کلان است. آنچه در این میان مهم تلقی می شود، شناسایی ریشه های گرایش به بزهکاری و راههای مقابله با آن است. این مطالعه با هدف؛ فهم عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در شهرستان کرمانشاه انجام شده است. جامعه آماری، شامل دختران و پسران ۱۳ تا ۱۸ ساله شهرستان کرمانشاه بوده است. حجم نمونه شامل ۱۰۰ نفر از دختران و پسران و روش نمونه گیری به شیوه نمونه گیری ترکیبی هدفمند بوده است. پرسش نامه های ناقص از روند تحلیل حذف شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار R و آزمون لجستیک دودویی استفاده شده است. از نرم افزار SPSS برای پایایی و همسانی درونی گویه ها و پرسش نامه استفاده شد. یافته ها نشان می دهد متغیرهای تأثیر گروه همسالان $p=0.002$ ، فقر و نابرابری $p=0.017$ و محیط نامناسب خانواده $p=0.037$ به ترتیب دارای

بیشترین اثر بر متغیر وابسته بوده اند. همچنین بین یادگیری های اجتماعی رسانه و اختلالات روانی با بزهکاری نوجوانان رابطه ای معنادار مشاهده نشد. نتایج نشان می دهد گروه همسالان بعنوان مهمترین عامل در بزهکاری نوجوانان نقش داشته است و یادگیری اجتماعی به عنوان کم اثرترین متغیر در رابطه با بزهکاری نوجوانان بوده است. از این رو، باید تلاش مشترکی از سوی والدین، معلمان، روانشناسان، و مشاوران مدرسه و جامعه شناسان انجام شود تا اطمینان حاصل شود که نوجوان در کنار گروه همسالان و در محیط امن خانواده و به دور از هرگونه تبعیض و ناعدالتی در همه ابعاد، در مسیر درست قرار دارند و با کمترین اختلال از این سنین عبور کنند.

واژگان کلیدی: بزهکاری، همسالان، فقر و نابرابری، خانواده، یادگیری اجتماعی، اختلال روانی

مقدمه

بزهکاری نوجوانان به عنوان یک رفتار غیرمعمول از اشکال انحرافات اجتماعی است و گسترش آن حیات اجتماعی را به خطر می اندازد. به همین دلیل توجه محققان (جامعه شناس، جرم شناس و روان شناس) را به خود جلب کرده است. در این بحث دو سؤال مطرح است: نوجوان چه کسی است؟ و بزه کار کیست؟ در پاسخ به سؤال اول عمدتاً از معیار سن استفاده می شود. در اغلب کشورها قوانینی که به بزهکاری^۱ نوجوانان مربوط می شود، یک محدوده ی سنی را مشخص می کنند. درایالت متحده ی امریکا این محدوده ی سنی از یک ایالت تا ایالت دیگر متفاوت است و در اروپا نیز این تفاوت دیده می شود. به طور مثال معیار تشخیص نوجوان در بلژیک شانزده سال و در سوئد ۲۱ سال است. در آسیا نیز از پانزده سال در برخی کشورها مثل سریلانکا، لبنان، هندوستان و.. ۱۶ سال است. پاسخ به سؤال دوم مشکل تراست؛ واژه ی بزهکاری از ابهام بیشتری برخوردار است. کلمه ی لاتینی به معنای فراموشی و غفلت گرفته شده است که موارد وسیعی را در برمی گیرد. اما در اصطلاح جامعه شناسی به این معنا است که معیارهای پذیرفته شده ی رفتاری در یک جامعه مشخص از سوی عده ای از نوجوانان مورد غفلت قرار می گیرد (جلایی پور وحسینی نثار، ۱۳۸۷: ۳).

بزهکاری نوجوانان^۲ یک مشکل جهانی است که روز به روز در حال گسترش است و بر هر بخش از

۱. Delinquency

۲. Juvenile delinquency

جامعه تأثیر می‌گذارد. مربوط به عمل غیر قانونی شخصی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده است (شوماخر^۱، ۲۰۱۸). بزهکاری نوجوانان به عنوان یک معضل اجتماعی همانند سایر کشورها، در کشورمان هم وجود دارد. معمولاً تعارضات به دلیل سطوح شدید تبعیض در بین طبقات اجتماعی ایجاد می‌شود که به عامل فشار یا کشش زیاده روی در بزهکاری تبدیل می‌شود؛ زیرا کودکان به شدت تحت تأثیر محیط نامناسب قرار می‌گیرند. این مطالعه از آنجایی حائز اهمیت است که نگرانی نوجوانان به ویژه سنین سیزده تا هجده سال به شدت تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، روحی و روانی، محیطی و خانوادگی قرار دارند. و عوامل روانی این گروه آینده آتی ملت ما هستند و باید در پیشرفت کشور ما نقش بسزایی داشته باشند. متأسفانه برخی از این نوجوانان در زندگی آینده خود به دلیل محیط اجتماعی نامناسب و سایر عوامل روانی که بر رشد شناختی و روانی آنها تأثیر منفی می‌گذارد، مجرم می‌شوند. نتیجه این مطالعه ممکن است با اطمینان به علل و پیامدهای بزهکاری نوجوانان پی ببرد. همچنین نتیجه ممکن است برای نوجوانان در بهبود رفتار خود برای بازپروری در جامعه مفید باشد و آنها بتوانند اهمیت آنها را در توسعه کشور درک کنند که کاملاً این احساس تعهد و مسئولیت را در آنها ایجاد می‌کند. بنابراین مطالعه حاضر با اهداف زیر انجام شده است؛ هدف اصلی این مطالعه، کشف عواملی است که نوجوانان را از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی دور می‌کنند و بزهکار اجتماعی می‌شوند. اهداف فرعی شامل، یافتن اطلاعات جمعیت شناختی و اجتماعی پاسخ دهندگان، و پیشنهاد برخی اقدامات سیاستی برای غلبه بر بزهکاری نوجوانان.

فرزاد حسینی و همکاران^۲ (۱۳۹۷)؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان را خانواده، مدرسه و محیط آموزشی، محیط و محله زندگی و کمبود امکانات فرهنگی و ورزشی برای نوجوانان تشکیل می‌دهد. محمود قاضی طباطبایی و همکاران^۳ (۱۳۹۱)؛ نتایج نشان داد: همبستگی بین متغیرهای تئوریک ساختاری و ابعاد یادگیری اجتماعی و نیز ابعاد یادگیری اجتماعی و بزهکاری نوجوانان وجود دارد. از بین ابعاد یادگیری اجتماعی، بعد همنشینی افتراقی بیشترین تأثیر را بر بزهکاری نوجوانان داشته است. متغیرهای ساختاری تئوریک (آنومی اجتماعی و بی سازمانی اجتماعی)، سبب فضاسازی بر روی یادگیری اجتماعی بزهکاری می‌شوند و فضای

۱. Shomakher

۲. Farzad Hosseini et al

۳. Mahmoud Ghazi Tabatabai et al

یادگیری اجتماعی نیز تولید بزهکاری و کجروی می‌کند. حمید جلایی پور و همکاران^۱ (۱۳۸۷)؛ یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که نوجوانانی که خویشتن‌داری ضعیفی دارند، پیوند اجتماعی ضعیف داشته و بزه بیشتری مرتکب می‌شوند. داود فاطمی و همکاران^۲ (۱۳۹۵)؛ نتایج پژوهش حاکی از معنی دار بودن تفاوت میانگین بزهکاری نوجوانان بر حسب وضعیت شغلی و تحصیلی والدین و درآمد خانواده‌شان است. همچنین نتایج تحقیق رابطه بین متغیرهای نظارت والدین و دلبستگی به خانواده را با متغیر وابسته؛ یعنی بزهکاری نوجوانان به تایید رساند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که متغیرهای نظارت والدین و دلبستگی به خانواده به ترتیب، بیشترین تاثیر را بر بزهکاری نوجوانان داشته‌اند. ژاله محمودی^۳ (۱۳۹۷)؛ نوجوانانی که در کودکی و در نوجوانی آزادی و وسایل اولیه زندگی محروم بوده و نتوانسته‌اند به تحصیلات خود ادامه دهند مسلماً می‌خواهند حقوق از دست رفته را بدست آورند و انتقام خود را از والدین و اجتماع بگیرند اینست که بطور عمدی به دنبال اعمالی می‌روند که برای آنها منع شده است بنا براین به طغیان و تجاوز بر علیه حقوق دیگران از طریق ارتکاب بزهکاری اقدام می‌نمایند، تا بدین وسیله فشارهای درونی و ناراحتی‌های خود را تسکین داده باشند.

لوبر و استوتهمر^۴ (۱۹۸۶)؛ نتایج تحقیق آنها عواملی چند را در بزهکاری نوجوانان دخیل دانسته؛ داشتن والدین مجرم، سخت گیری بیش از حد به خاطر نظم و انضباط، سهل انگاری والدین، بد رفتاری والدین، عدم نظارت مناسب والدین، خشونت در سنین پایین، ازدواج در سنین پایین والدین، رفتار والدین، استفاده از مواد مخدر توسط والدین، نوعی اختلال روانی توسط والدین، ترتیب تولد، اندازه خانواده، ساختار خانواده، تحصیلات خانواده، و وضعیت اقتصادی خانواده. مک کورد و همکاران^۵ (۲۰۰۱)؛ تحقیق دیگری که با تحقیقات فوق مرتبط است، همچنین به این نتیجه رسیده است که کودکان دارای خانواده تک والدی در معرض خطر بیشتری برای انجام اعمال انحرافی هستند. الیوت و همکاران^۶ (۱۹۹۶)؛ تاثیر منفی همسالان نیز یکی از جنبه‌های اصلی رفتار مجرمانه است زیرا کودکانی که با همسالان منحرف ارتباط نزدیک دارند، می‌توانند در اعمال غیرقانونی شرکت کنند. یک شرکت بد و فاسد می‌تواند نوجوانی را که سابقه جنایی ندارد، به سمت شروع اعمال بزهکارانه یا

۱ . Hamid Jalaeipour et al

۲ . Davood Fatemi et al

۳ . Jaleh Mahmoudi

۴ . Luber and Stothammer

۵ . McCord et al

۶ . Elliott et al

افزایش تمایلات بزهکارانه سوق دهد. نوجوانی که ارتباط قوی با همسالان جنایتکار دارد زودتر از آنهایی که چنین مشارکتی ندارند محکوم و بازداشت می‌شود. اندرسون^۱ (۲۰۰۰)؛ فرآیندهای اجتماعی زیادی وجود دارد که اساساً به مواجهه و یادگیری رفتار پرخاشگرانه و خشونت آمیز کمک می‌کند. شکست در موفقیت‌های اجتماعی و تحصیلی به طرق مختلف باعث ایجاد ناامیدی می‌شود. این مشکلات معمولاً به دلیل شدت پرخاشگری بسیار زیاد ایجاد می‌شود که منجر به برخوردهای آزاردهنده با والدین، مربیان و دوستان می‌شود. در عواقب این امر، کودکان بیشتر وقت خود را با سایر افراد ناسازگار می‌گذرانند. الگوی رفتار پرخاشگرانه بیشتری دارند. این عوامل عبارتند از: شرایط اقتصادی پایین، منطقه بهم ریخته، همتایان مجرم، عدم نظارت صحیح و ایمن، قرار گرفتن در معرض برنامه‌های خشونت آمیز. والدین جنایتکار و حمایت اجتماعی ضعیف و غیره. تفاوت‌های افراد نیز از طریق پرخاشگری و خصومت آنها تشخیص داده شده است. گومز^۲ (۲۰۰۴)؛ نابرابری نیز عامل اصلی جنایت است. آن دسته از افرادی که درآمد پایینی دارند احساس محرومیت می‌کردند و می‌خواستند به سطح زندگی افراد ثروتمندی برسند که سطح درآمد آنها بالاتر از پایین تر است. دستیابی به تمام امکانات زندگی با درآمد کم خانواده از نظر قانونی امکان پذیر نیست، زیرا افراد خانواده‌های کم درآمد راه‌های غیرقانونی را برای رسیدن به یک زندگی استاندارد در پیش می‌گیرند. اگر با دستمزدهای بالاتر همبستگی داشته باشد، آموزش نیز نقش مهمی در کاهش جرم ایفا می‌کند. اساساً آموزش و پرورش می‌تواند استانداردهای افراد را از طریق حقوق و دستمزد قانونی و استفاده از مهارت‌های او بالا ببرد. دموت و براون^۳ (۲۰۰۴)؛ دموت و براون نیز به این نتیجه رسیدند که به دلیل عدم کنترل والدین و نبود رابطه خوب بین نوجوانان و والدین آنها عامل پیوستن به هر باند تبهکاری و قانون شکنی ماهر می‌شود. سختگیری بیش از حد و خشونت خانگی از سوی والدین برای حفظ نظم و انضباط در بین کودکان نیز در ایجاد بزهکاری نقش دارد. برخی از والدین تمایلات مجرمانه دارند و با فرزندان خود آزار جسمی یا جنسی می‌کنند که نشان می‌دهد والدین نیز دارای اجتماعی شدن نامناسب و سایر اختلالات روانی هستند. علاوه بر این، قرار گرفتن در معرض خشونت در خانه‌ها نیز پیش‌بینی کننده قوی بزهکاری در میان نوجوانان است.

۱. Anderson

۲. Gumus

۳. Demort and Brown

رویکردهای فردگرایانه زیست شناختی و روان شناختی^۱ بر روی عوامل شخصیتی، رفتاری و زیستی و به طور کل انحراف را ناشی از ویژگی‌های فردی دانسته‌اند. از نگاه روانشناسی و زیستی بزهکارانی که دارای اختلالات روانی هستند به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند؛ بزهکاران روان رنجور(دارای وسواس تفکر و عمل هستند و معمولاً دزدان بیمارگونه و ولگردان پرسه زن را شامل می‌شود)، بزهکاران دارای اختلال منش(ستیزه جو، تحریک پذیر، دنبال لذت‌های آنی، به لحاظ احساسی بی تفاوت و مرتکب انواع بزهکاریهای اجتماعی می‌شوند) و بزهکاران روان پریش(این گروه دارای اختلالات دوقطبی، نقایص عقلی و آسیب‌های فکری شدید، معمولاً آگاهی آنچنان از خود ندارند و مرتکب رفتارهای مثل تجاوز جنسی و قتل عمد می‌شوند)(محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۰۹ و ۵۵). جامعه شناسان اغلب رفتار انحرافی را خارج از ویژگی‌های فردی دیده و بر زمینه‌های گروهی متمرکز شده‌اند. جامعه شناسان معتقدند که میزان قابل توجهی از جرم و جنایت و رفتار انحرافی ماهیت اجتماعی داشته و به نهادها و سازمان‌های اجتماعی وابسته‌اند. آن‌ها بر روابط درونی میان همنوایی و انحراف در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت تأکید داشته و اغلب به پدیده جرم و جنایت و بزهکاری به عنوان امری نسبی می‌نگرند. زیرا به خصوص جوامع مدرن، حاوی تعداد زیادی خرده فرهنگ‌های متفاوت هستند و رفتاری که نسبت به موقعیت خرده فرهنگی خاص هم‌نو تلقی می‌شود، ممکن است در زمینه‌های خرده فرهنگی دیگر به عنوان رفتاری انحرافی شناخته شود (گیدنز^۲، ۱۳۷۳: ۱۳۹).

تئوری‌های جامعه شناختی^۳، براساس طبقه بندی "هاگان"^۴ از نظریات جامعه شناسی انحراف، به سه رویکرد تقسیم شده است که عبارتند از: ۱. رویکرد کارکردی ساختی^۵. ۲. رویکرد کنش متقابل نمادین^۶. ۳. رویکرد تضاد^۷. تئوری‌های کارکردگرایی ساختاری بر روی نهادهایی مانند خانواده و مدرسه که به اجتماعی کردن افراد به منظور هم‌نو کردن رفتار آن‌ها با ارزش‌های اصلی جامعه می‌پردازند، تمرکز می‌کند. این نظریه‌ها به این مسئله می‌پردازند که چرا برخی از افراد از طریق انجام رفتارهای انحرافی به مقابله با توافق‌های جمعی می‌پردازند؟ چرا بعضی از افراد از ارزش‌هایی که

۱ . Biology and Psychology
۲ .Giddens
۳ . Sociological
۴ . Hagan
۵ . Constructive function
۶ . Symbolic interaction
۷ . Conflict

برای اکثریت جامعه مهم است، سرپیچی می کنند؟ نظریه های یادگیری اجتماعی، کنترل، بی سازمانی اجتماعی، فرصت های متفاوت، خرده فرهنگی و آنومی که زیر مجموعه این رویکرد. می باشند، به این سؤالات به شیوه های متفاوت پاسخ می گویند. از نظر تعامل گرایان، کجرو یا منحرف به کسی اطلاق می شود که از جانب سایر افراد جامعه مورد مؤاخذه قرار گرفته باشد. این دیدگاه به فرد کجرو، انگیزه ها، فشارها و تعامل بین او و کسانی که وی را منحرف قلمداد می کنند، توجه دارد. تعامل گرایان، چگونگی و عللی که، اشخاص و گروه ها منحرف دانسته می شوند را مورد بررسی قرار می دهند. تئوری های کنش متقابل نمادین رفتار انحرافی، از تأکید بر ارزش ها به تأکید بر معناها و تعاریف برای تبیین رفتار انحرافی تغییر جهت داده اند و در مواردی برخی از آن ها، از این امر پا فراتر گذاشته و توجه اصلی شان را از تأکید بر معناها و تعاریف کسب شده جهت انجام رفتارهای انحرافی توسط منحرفان به طرف تمرکز بر نقش هایی که عاملان رسمی کنترل اجتماعی در تحمیل معانی و تعاریف نمادین رفتار انحرافی بر افراد بازی می کنند، تغییر داده اند. سرانجام رویکرد تضادگرا که به نوعی با نظریه های برجسب زنی ارتباط دارند، اغلب روی نقش گروه های اجتماعی مسلط در تحمیل برجسب های قانونی بر اعضای گروه های اجتماعی حاشیه ای تمرکز می کنند و سعی دارند به این سؤال جواب دهند که چرا و چگونه این اتفاق می افتد؟ در این تئوری ها، نابرابری و ظلم به عنوان علل بزهکاری دانسته شده است (گلچین، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

- به نظر می رسد بین محیط نامناسب خانواده و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین اثرات منفی گروه همسالان (خرده فرهنگ) و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین یادگیری های اجتماعی (متأثر از رسانه و...) و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین فقر و نابرابری و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین اختلالات روانی و بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - پیمایشی بوده است. در بخش توصیفی ویژگی های پاسخ دهندگان (سن، جنس، سطح تحصیلات، نوع خانواده) در جهت درک بیشتر وضعیت، رفتار و عملکرد آنها، ارزیابی شده است. جامعه آماری این مطالعه، نوجوانان ۱۳-۱۸ ساله شهرستان کرمانشاه

بوده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش نامه استفاده شد. حجم نمونه شامل ۱۰۰ نفر از دختران و پسران با روش ترکیبی هدفمند انتخاب شده‌اند. به هر یک از پاسخ دهندگان یک مجموعه سؤالات ساختار یافته (محقق ساخته) در قالب طیف لیکرت داده شد. جهت استخراج داده‌ها از نرم افزار R و آزمون لجستیک دودویی (معناداری X, Y) استفاده شد. با توجه به اینکه پژوهش بر روی پسران و دختران انجام شده است، به زنان کد صفر و به مردان کد یک داده شد. در نهایت مدل تحقیق تا نتیجه بهتر و رسیدن به مدل برتر، برازش داده شد. قبل از جمع‌آوری اطلاعات در مورد موضوع و هدف مطالعه برای پاسخگویان شرح داده شد و پاسخگویان با رضایت کامل به پرسش نامه طراحی شده پاسخ دادند.

تعریف مفهومی بزهکاری: ریشه بزهکاری به فارسی به معنای خطا کار است. در واقع بزهکاری، وضع یا حالتی است که شخص تخطی کننده از الزامات قانونی، خود را با آن مواجه می‌یابد. در این صورت ارتکاب جنایت موجب اسناد مسئولیت به مجرم شده و متعاقب آن با مجازات‌های رو به رو می‌شود. بدین سان اصطلاح بزهکاری را می‌توان به هنگام مشخص ساختن ویژگی‌های تمامی صور تخطی از قانون و همچنین امور جنایی (نظیر دزدی‌های، تقلب‌ها، جرایم، سوء استفاده‌های مالی و غیره) که در کشوری یا منطقه و یا دورانی خاص صورت وقوع می‌یابند، به کار برد. (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۶۰). بزهکاری طیفی از رفتار است که هم به تخلف از قانون و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون شکنی رسمی اطلاق می‌شود. و به اعمالی اشاره دارد که منع قانونی دارند. به عبارت دیگر هر گونه اقدام به عملی که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی- فرهنگی یک جامعه باشد و توسط افراد ۱۸ - ۱۲ سال صورت گیرد (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۳). تعریف عملیاتی؛ پرسشنامه طراحی شده با هدف، ارزیابی تعیین کننده‌های گرایش به بزهکاری (محیط نامناسب خانواده، همسالان ناباب، یادگیری‌های اجتماعی، فقر و نابرابری و اختلالات روانی) انجام شده است. در این پرسشنامه ۵ مؤلفه در قالب ۲۰ سؤال، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. به هر متغیر ۴ گویه اختصاص یافته است. پاسخ‌ها در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف (۱)، مخالف (۲)، بی نظر (۳)، موافق (۴)، کاملاً مخالف (۵) طرح شده است.

جدول (۱)؛ ابعاد و تعداد گویه

متغیرهای مستقل (X)	تعداد گویه‌ها	شماره گویه	پایایی
محیط نامناسب خانواده	۴	۱ تا ۴	٪۷۸
همسالان ناباب	۴	۵ تا ۸	٪۶۸
یادگیری اجتماعی	۴	۹ تا ۱۲	٪۶۴
فقر و نابرابری	۴	۱۳ تا ۱۶	٪۷۱
اختلال روانی	۴	۱۷ تا ۲۰	٪۶۷

جدول (۲)؛ متغیر و گویه‌ها

ردیف	متغیر	گویه‌ها
۱	محیط نامناسب خانواده	درگیری‌های درون خانواده راه را برای رفتارهای نامناسب فرزندان فراهم می‌کند.
۲		نداشتن قدرت مالی جهت رسیدن به آرزوها، می‌تواند از نظر روانی نوجوانان را برای ارتکاب جرم آماده سازد.
۳		اگر خانواده به من محبت نکند، بدون توجه به آنها هرکاری دلم بخواهد، انجام می‌دهم.
۴		به نظرم عامل رفتارهای مجرمانه فرزندان، تبعیض و بی‌توجهی والدین نسبت به آنهاست.
۵	همسالان ناباب	به نظر من یکی از دلایل رفتارهای پرخاشگرانه و غیرقانونی، همیشینی با دوستان ناباب است.
۶		رفت و آمد با افراد ناباب زمینه ارتکاب جرم را برای نوجوانان مهیا می‌سازد.
۷		برخی از دوستان می‌توانند در دوره نوجوانی افراد را به سمت رفتارهای ناهنجار بکشانند.
۸		اثرپذیری افراد در دوره نوجوانی از گروه دوستانه بیشتر از خانواده است.
۹	یادگیری اجتماعی	گاهی برنامه‌های تلویزیونی، سبب یادگیری رفتارهای نادرست در بچه‌ها می‌شوند.
۱۰		به نظر من اگر اجتماع و افراد جامعه سالم باشند، بزهکاری در جامعه وجود ندارد.
۱۱		در دوران نوجوانی، فرزندان به میزان بیشتری از رفتار والدین الگوبرداری می‌کنند، در نتیجه احتمال بزهکاری آنها با رفتارهای والدین رابطه مستقیم دارد.
۱۲		به نظر من علت رفتارهای خشن، غیرقانونی و مجرمانه در دوره نوجوانی یادگیری رفتارهای افراد جامعه، خانواده و مدرسه است.

ردیف	متغیر	گویه ها
۱۳	فقر و نابرابری	اگر نوجوانان در خانواده‌ای پولدار و از امکانات رفاهی برخوردار باشند کمتر به سمت رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه می‌روند.
۱۴		زندگی در مناطق حاشیه شهر و دور از امکانات باعث شرایط روحی نامناسب و رفتارهای پرخاشگرانه و غیرقانونی در نوجوانان می‌شود.
۱۵		داشتن شغل مناسب پدر و مادر، از رفتارهای غیرقانونی فرزندان جلوگیری می‌کند.
۱۶		تقسیم ناعادلانه امکانات باعث می‌شود بچه‌ها به سمت کارهای غیرقانونی و خلاف ارزش‌های جامعه بروند.
۱۷	اختلال روانی	افراد گوشه گیر و منزوی در دوره نوجوانی بیشتر مرتکب جنایت می‌شوند.
۱۸		به نظرم افراد زودرنج و دل نازک بیشتر از دیگران مرتکب جرم و رفتارهای پرخاشگرانه هستند.
۱۹		بچه‌هایی که مواد مخدر و مشروبات الکلی مصرف می‌کنند، بیشتر به سمت کارهای غیرقانونی و خلاف می‌روند.
۲۰		کسی که توهم می‌زند می‌تواند هر کار خلافی انجام دهد.

روایی؛ مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه گیری بتواند خصیصه و ویژگی موردنظر را اندازه گیری کند. اهمیت روایی از آن جهت است که اندازه گیری‌های نامناسب و ناکافی می‌تواند هر پژوهش علمی را بی ارزش و ناروا سازد (سرمد و دیگران، ۱۳۷۸). از روایی صوری و روایی محتوایی برای تعیین روایی پرسشنامه استفاده و طی آن از نظر متخصصین از جمله اساتید و متخصصین در این زمینه این پژوهش بهره گرفته شده است.

پایایی؛ مقصود از پایایی آن است که ابزار اندازه گیری را در یک فاصله زمانی کوتاه چندین بار و به گروه واحدی از افراد بدهیم و نتایج حاصله نزدیک به هم باشد. برای اندازه گیری پایایی از شاخصی به نام ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) استفاده می‌کنیم و اندازه آن معمولاً بین صفر تا یک متغیر است. ضریب پایایی صفر معرف عدم پایایی و ضریب پایایی یک معرف پایایی کامل است (سرمد و دیگران، ۱۳۷۸). به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، نمونه‌ای ۲۰ نفره از نوجوانان جامعه آماری انتخاب، و به صورت پیش آزمون پرسش نامه توسط نمونه‌هایی از جامعه آماری، تکمیل شد و سپس میزان ضریب آلفای کرونباخ، با استفاده از پرسش نامه‌های تکمیلی و داده‌های به دست آمده، به کمک نرم افزار آماری SPSS محاسبه شد. از آنجایی که میزان این شاخص در مجموع، (۰.۶۹۶) بود و نزدیک به پایایی

مطلوب (بیشتر از ۷۰٪) پرسش نامه تأیید شد. گویه‌هایی که بعنوان معرف یک متغیر با همدیگر همسانی درونی نداشتند از روند تحلیل حذف شدند.

یافته‌ها: ۴۶٪ از پاسخ دهندگان متعلق به گروه سنی ۱۵-۱۳ سال و ۵۴٪ متعلق به گروه سنی ۱۸-۱۶ سال بوده‌اند. ۸۶٪ از پاسخ دهندگان در یک خانواده هسته‌ای، ۱۱٪ از پاسخ دهندگان در خانواده گسترده زندگی می‌کردند و ۳٪ درصد آنها به خانواده‌های از هم گسیخته تعلق داشتند. ۴۶٪ از پاسخ دهندگان در خانواده‌ای با درآمد پایین، ۳۵٪ از پاسخ دهندگان در خانواده‌ای با درآمد متوسط، و ۱۹٪ از پاسخ دهندگان در خانواده‌ای با درآمد بالا زندگی کرده‌اند. ۶۴٪ خانواده پاسخ دهندگان دارای مسکن شخصی، ۳۶٪ خانواده پاسخ دهندگان دارای مسکن استیجاری بوده‌اند. ۵۹٪ از پاسخ دهندگان پسر و ۴۱٪ دختر بودند.

جدول (۳): همبستگی و معناداری متغیرها

	Estimate	Std. Error	z value	Pr(> z)	
(Intercept)	۲.۰۳۱۴۴۷	۰.۷۰۸۱۴۹	۲.۸۶۹	۰.۰۰۴۱۲ **	
X۱	۰.۰۶۷۱۲۸	۰.۰۳۲۱۹۶	۲.۰۸۵	۰.۰۳۷۰۷ *	خانواده
X۲	۰.۰۳۲۷۹۹	۰.۰۱۰۶۸۰	۳.۰۷۱	۰.۰۰۲۱۳ **	همسالان
X۳	۰.۰۰۱۱۷۳	۰.۰۰۸۴۱۸	۰.۱۳۹	۰.۸۸۹۱۸	یادگیری اجتماعی
X۴	۰.۰۳۴۶۱۶	۰.۰۱۴۶۱۱	۲.۳۶۹	۰.۰۱۷۸۳ *	فقر و نابرابری
X۵	۰.۰۱۵۹۰۳	۰.۰۱۰۷۸۳	۱.۴۷۵	۰.۱۴۰۴۴	اختلال روان
معیار ۱ '۰.۰۵' ۰.۰۱ '*' ۰.۰۱ '**' ۰.۰۰۱ '***' :					

۱. متغیر مستقل اول (محیط نامناسب خانواده X۱): با توجه به مقدار $P < ۰.۰۳۷$ که کمتر از ضریب معیار تحقیق ($P < ۰.۰۵-۰.۰۰۱$) و مقدار ($Z > -۲.۰۸۵$) و بزرگ تر بودن این مقدار از معیار تعیین تحقیق ($+۱.۹۶$) می‌توان در سطح اطمینان (۰.۹۵) رابطه میان محیط نامناسب خانواده و بزهکاری نوجوانان در نمونه آماری را تأیید کرد. دمو و براون (۲۰۰۴) نیز به این نتیجه رسیدند که به دلیل عدم کنترل والدین و نبود رابطه خوب بین نوجوانان و والدین آنها عامل پیوستن به هر باند تبهکاری و قانون شکنی ماهر می‌شود. سختگیری بیش از حد و خشونت خانگی از سوی والدین برای حفظ نظم و انضباط در بین کودکان نیز در ایجاد بزهکاری نقش دارد. برخی از والدین تمایلات مجرمانه دارند و با فرزندان خود آزار جسمی یا جنسی می‌کنند که نشان می‌دهد والدین نیز دارای اجتماعی شدن نامناسب

و سایر اختلالات روانی هستند. علاوه بر این، قرار گرفتن در معرض خشونت در خانه‌ها نیز پیش‌بینی‌کننده قوی بزهکاری در میان نوجوانان است.

۲. متغیر مستقل دوم (اثرات منفی گروه همسالان X_2)؛ با توجه به مقدار ($P < 0.0021$) که کمتر از ضریب معیار تحقیق ($0.05-0.000$) و مقدار ($Z > -3.071$) و بزرگ‌تر بودن این مقدار از معیار تعیین تحقیق ($+1.96$) می‌توان در سطح اطمینان (0.95) رابطه میان اثرات منفی گروه همسالان و بزهکاری نوجوانان در نمونه آماری را تأیید کرد. مشخص شد که همسالان نیز نقش بسزایی در اجتماعی شدن کودکان دارند. تأثیر منفی همسالان همچنین به سمت بزهکاری گرایش دارد. آنها به جای خانواده با همسالان خود ارتباط قوی برقرار می‌کنند که عامل اعمال بزهکارانه آنها می‌شود. همانطور که پستمن (۱۹۸۲) معتقد بوده، که عوامل اجتماعی زیادی وجود دارد که افراد را به سمت انحراف سوق می‌دهد. اگر همسالان، خانواده، مدرسه و سیستم قضایی تأثیر مثبتی بر فرد نداشته باشد، دست به کارهای بد و غیرقانونی می‌زند و این فعالیت‌ها را تعامل بین فردی با عوامل اجتماعی ساز فوق می‌نامند. برحسب نظریات خرده فرهنگ؛ رفتار انحرافی یا جرم با خرده فرهنگ‌های خاص گروه‌ها و طبقات اجتماعی به طور مشخصی ارتباط دارد. در هر جامعه‌ای، خرده فرهنگ‌های بزهکاری وجود دارد که ارتباط نوجوانان و جوانان با آنها احتمال بروز رفتارهای انحرافی و ضد اجتماعی را در میان این گروه افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد، دوستان و گروه‌های همالان بزهکار می‌توانند بیشترین همبستگی را با رفتار بزهکارانه جوانان و نوجوانان داشته باشند.

۳. متغیر مستقل سوم (در معرض خشونت رسانه‌ای X_3)؛ با توجه به مقدار ($P > 0.889$) که کمتر از ضریب معیار تحقیق ($0.05-0.000$) و مقدار ($Z < -0.139$) و کوچکتر بودن این مقدار از معیار تعیین تحقیق ($+1.96$) می‌توان در سطح اطمینان (0.95) عدم رابطه میان قرار گرفتن در معرض خشونت‌های رسانه‌ای و بزهکاری نوجوانان را در نمونه آماری تأیید کرد. بنابراین هرچند نظریات یادگیری اجتماعی بعنوان یکی از نظریات تبیین‌گر بزهکاری اجتماعی محسوب می‌شوند ولی در تحقیق فوق این رابطه تبیین نمی‌شود و نظریه بندورا نقشی در تبیین مسئله مدنظر نداشته است. بندورا (۱۹۶۳) با اجرای شخصیت‌های تلویزیونی، جرم و جنایت را با فرآیند یادگیری اجتماعی مرتبط کرد و عملکرد آنها به شکل‌گیری رفتارها، نتایج و ماهیت پرخاشگرانه کمک کرد. بر اساس این نظریه، توصیف می‌شود که پرخاشگری و خشونت از طریق فرآیند اجتماعی شدن صورت می‌گیرد و رسانه‌ها به عنوان عامل مهم اجتماعی شدن در نظر گرفته می‌شوند.

۴. متغیر مستقل چهارم (فقر و نابرابری X_5)؛ با توجه به مقدار ($P < 0.017$) که کمتر از ضریب معیار تحقیق ($P < 0.05-0.000$) و مقدار ($Z > 2.369$) و بزرگ تر بودن این مقدار از معیار تعیین تحقیق (۱۰+۹۶-) می توان در سطح اطمینان (۰.۹۵) رابطه میان فقر و نابرابری و بزهکاری نوجوانان را تأیید کرد. نابرابری و فقر از عوامل اصلی بزهکاری در هر جامعه است. این همچنین با نظریه کرنش رابرت کی مرتون، (۱۹۶۸) گزارش شده است که در آن اظهار داشت که افراد طبقه پایین با فشار و شرایط آنومیک، زمانی که قادر به دستیابی به ابزار قانونی با اهداف متعارف نیستند، مواجه می شوند. این اختلاف بیش از حد بین اهداف تعریف شده فرهنگی و ابزار مصوب قانونی، مردم فقیر را به سمت دستیابی به اهداف متعارف از راه های نامشروع سوق می دهد. براساس نظریه تضادگرا، نابرابری و ظلم علت بزهکاری است. تعلق به گروه اقلیت؛ تحمل قدرت طبقه مسلط از طریق فرایند یادگیری؛ قرار داشتن در زمره فقرا، غیرسفیدپوستان یا گروه های دارای حداقل قدرت (عضویت در گروه های قومی، نژادی و احتمالاً مذهبی اقلیت). از سوی دیگر، بکر (۱۹۶۸) نیز رابطه بین شرایط اقتصادی و نرخ جرم و جنایت را توصیف کرد که معمولاً اعمال غیرقانونی ناشی از عواقب منطقی سازی بر اساس تحلیل هزینه فایده است. وی اظهار داشت که بزهکار قربانی درمانده ای نیست که مورد ظلم جامعه قرار گرفته باشد، بلکه می تواند یک فرد اقتصادی منطقی نیز باشد که برای منافع اقتصادی خود مرتکب جرم می شود. چستر، (۱۹۷۶) نیز به این نتیجه رسید که فقر نیز عامل مهمی در بزهکاری در نظر گرفته می شود، زیرا وی اشاره کرد که جنایت و فقر پیوند قوی با یکدیگر دارند. مردم فقیر شانس بیشتری برای انجام اعمال مجرمانه دارند. آنها معمولاً درگیر جنایات خیابانی، ملک و غیرخشونت آمیز بودند.

۵. متغیر مستقل پنجم (اختلالات روانی X_5)؛ با توجه به مقدار ($P > 0.140$) که کمتر از ضریب معیار تحقیق ($P < 0.05-0.000$) و مقدار ($Z < -1.475$) و کوچکتر بودن این مقدار از معیار تعیین تحقیق (۱۰+۹۶-) می توان در سطح اطمینان (۰.۹۵) عدم رابطه میان اختلالات روانی و بزهکاری نوجوانان در نمونه آماری را تأیید کرد. نظریات روان پریشی نقش اختلالات روانی در بزهکاری نوجوانان را مؤثر دانسته است. با توجه به نتایج، این نظریه نتایج را در نمونه آماری تحقیق حاضر تبیین نمی کند. اختلالات روانی بسیاری وجود دارد که کودکان را به سمت جنایت سوق می دهد. این گزارش نشان می دهد که نسبت کودکان مبتلا به اختلال روانپزشکی در مقطع ابتدایی تا ۱۷ درصد است که از میانگین جهانی ناشی از عدم محبت والدین بیشتر است (حسن، ۲۰۱۰). این امر معمولاً ناشی از محرومیت از محبت والدین است زیرا عشق نیاز اساسی همه انسانهاست. مشکلات روانی

بسیاری مانند افسردگی، حساسیت بیش از حد، عدم تحمل، خودنمایی و سایر بیماری‌های مزمن مانند دیابت، چاقی، حمله قلبی و غیره در بین کودکان به وجود می‌آیند.
جدول شماره (۴): برازش مدل

Estimate Std. Error z value Pr(> z)
(Intercept) ۱.۸۵۵۱۹ ۰.۶۱۶۰۵ ۳.۰۱۱ ۰.۰۰۲۶۰ **
X۱ ۰.۰۸۱۹۶ ۰.۰۳۰۸۷ ۲.۶۵۵ ۰.۰۰۷۹۳ **
X۲ ۰.۰۳۱۳۲ ۰.۰۱۰۱۷ ۳.۰۸۱ ۰.۰۰۲۰۷ **
X۴ ۰.۰۲۹۷۴ ۰.۰۱۳۶۴ ۲.۱۸۰ ۰.۰۲۹۲۳ *
معیار ۰.۰۰۰۱ *** ۰.۰۰۱ *** ۰.۰۱ * ۰.۰۵ . ۰.۱ ' ' ۱

در صورت برازش مدل و حذف دو متغیری (X۳، X۵) که عدم رابطه با متغیر وابسته (Y) را نشان دادند، سطح معناداری P میان بقیه متغیرهای معنادار بهبود می‌آید و مقدار Z هم بهبود و به گونه‌ای استحکام بیشتر رابطه میان X۱۲۴ را با Y تبیین می‌شود.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصل شده از خروجی نرم افزار R در مورد رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، متغیرهای گروه همسالان، محیط نامناسب خانواده و فقر و نابرابری به ترتیب، بیشترین تأثیر بر بزهکاری نوجوانان در جامعه آماری مورد مطالعه داشته‌اند. این رابطه به صورت مثبت و مستقیم بوده است یعنی با افزایش میزان ارتباط با گروه همسالان، روابط نامناسب درون خانواده و فقر و نابرابری، میزان گرایش به بزهکاری در بین نوجوانان دختر و پسر بیشتر و برعکس. دو متغیر یادگیری‌های اجتماعی و اختلالات روانی هم تأثیری بر روی بزهکاری نوجوانان در جامعه آماری نداشته است. بنابراین به لحاظ آماری، فقط متغیر گروه همسالان (X۱) بیشترین اثر بر متغیر وابسته (Y) و متغیر یادگیری اجتماعی دارای کمترین اثر بر روی بزهکاری داشته است. زیرا مقدار p-value که در جدول شماره (۴) با علامت Pr(>|Z|) نشان داده شده است، برای متغیرهای (گروه همسالان، شرایط نامطلوب خانواده و فقر و نابرابری) کمتر از ۰.۰۵ است. البته عرض از مبدا نیز به همین علت مخالف صفر در نظر گرفته خواهد شد. بقیه متغیرها (اختلالات روانی و یادگیری اجتماعی) هرچند ممکن است دارای ضریب مثبت باشند ولی به علت عدم پذیرش آن‌ها در مدل توسط معیار p-value که در ستون Pr(>|Z|) دیده می‌شود، نادیده گرفته خواهند شد.

مطالعه حاضر به این نتیجه رسید که گروه همسالان، فقر و نابرابری و محیط نامناسب خانواده، به ترتیب سطح معناداری و رابطه، مهمترین عامل بزهکاری نوجوانان است. عوامل فرعی زیادی در جامعه یافت می‌شود که از آن جمله می‌توان به محیط منفی خانواده‌ها، سهل انگاری والدین، خانواده‌های تک والدی، ناتنی، عدم نظارت یا اختیار مناسب توسط والدین، سخت گیری بیش از حد برای انضباط در خانه، درگیری والدین، قرار گرفتن در معرض خشونت، خشونت خانگی، انگیزه خانواده برای ارتکاب جرم، شرایط اجتماعی-اقتصادی پایین خانواده، بی سوادى والدین یا عدم آموزش اخلاقی منجر به بزهکاری در بین نوجوانان می‌شود. رفتارهای والدین مانند سیگار کشیدن، مشروبات الکلی و قمار می‌تواند به فرزندان آنها منتقل شود و در نتیجه باعث ایجاد بزهکاران نوجوان شود. از سوی دیگر تأثیر منفی همسالان و جوامع یا محله بزهکار نیز نقش کلیدی را به عنوان عوامل اجتماعی منفی برای افراد نابالغ ایفا می‌کند. همچنین نتیجه گیری می‌شود که فقر، ناعدالتی نوعی از تبعیض و نگرش منفی در بین نوجوانان و جوانان یک ساختار پدید می‌آورد و برای آرامش و به نوعی تلافی نمودن دست به اقداماتی می‌زند که در جامعه جرم تلقی می‌شود. زمانی که ابزار مشروع و فرصت‌های برابر توسط نهادهای مربوط در جامعه توزیع نشود، فرد برای رسیدن به اهداف و آرزوها به دنبال ابزار نامشروع است و در واقع هدف مشروع را با استفاده از ابزار نامشروع دنبال می‌کند که این امر نوعی از بزهکاری و جرم در جامعه تلقی می‌شود. ممکن است خدمات حرفه‌ای آماده در مدارس برای مقابله با تأثیرات منفی فشار همسالان بر جوانان ارائه شود. والدین و سرپرستان باید نه تنها با فرستادن فرزندان خود به مدرسه بلکه نظارت بر فعالیت‌های آنها همکاری کنند. در انجام این کار، آنها باید مسئولیت فرزندان خود را تا زمانی که در موقعیتی قرار می‌گیرند که به تنهایی بایستند، بر عهده بگیرند. بستگان نیز باید در هدایت آنها و هدایت آنها به راه صحیح، فعالانه وظایف خود را انجام دهند. والدین باید بدانند که وظایفی که در پیش رو دارند در مراقبت از نوجوانان به بزرگسالان شایسته است. فشار همسالان تأثیر بیشتری بر بزهکار شدن نوجوانان دارد، بنابراین باید تلاش مشترکی از سوی والدین، معلمان، روانشناسان مشاور و مشاوران مدرسه انجام شود تا اطمینان حاصل شود که نوجوان در مسیر درست قرار دارد و می‌تواند با کمترین اختلال از صحنه عبور کند. از سوی دیگر، آموزش نیز با تمایلات جنایی مرتبط است، همانطور که هاوکی و همکاران^۱ (۱۹۸۷) به این نتیجه رسیدند که آموزش می‌تواند نقش حیاتی در رفتار و رشد شخصیت ایفا کند. تصور می‌شود که عملکرد آموزشی پایین و

۱. Hawkins et al

- تعهد کم به مطالعه می‌تواند از علل بزهکاری باشد.
- خانواده باید نگران آینده فرزندان خود باشند. آموزش والدین می‌تواند در کاهش بزهکاری نوجوانان مفید باشد.
- رسانه‌ها باید نسبت به رفتار نوجوانان، نگرش والدین و تدافعی آگاهی دهند.
- اقداماتی توسط دولت برای مقابله با مشکل در سنین بسیار پایین از طریق رسانه ملی در راستای جامعه‌پذیری درست انجام دهد. و از نمایش برنامه‌های غیرضرور خودداری شود.
- سیاست‌ها و ابتکارات به جای انگیزه‌های شخصی به نفع کشور باشد.
- برقراری فضای آرام و با محبت درون خانواده‌ها.
- برقراری عدالت در ابعاد مختلف در جامعه و ایجاد فرصت‌ها و ابزارهای برابر و یکسان برای عاملین جامعه در راستای رسیدن به اهدافشان.
- آموزش‌های محیط‌های غیررسمی در راستای شناخت و آگاهی بهتر نوجوانان برای شناخت کافی از گروه همسالان.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی انحرافات. چاپ ششم، تهران: نشر سمت.
- پارسا، محمد (۱۳۷۸). روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، چاپ سیزدهم، تهران: نشر بعثت.
- جلایی پور، حمیدرضا؛ حسینی نثار، مجید (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان، موردی شهر رشت. مجله جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱.
- حسینی، فرزاد؛ عبدالحی، اسماعیل؛ مظهری زاده، یاسین (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان شهر کازرون و راههای پیشگیری. مجله تمدن حقوقی، شماره ۱.
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه؛ بازرگان، عباس (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم رفتاری. چاپ یازدهم، نشر آگاه.
- فاطمی، داود؛ رحیمی، عارف؛ سعادت، موسی؛ عباس زاده، محمد (۱۳۹۵). بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان، موردی شهر زنجان. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۴.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ سیفی، علیرضا؛ مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱). سهم ساختار و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر تهران، موردی مناطق حاشیه. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۴.
- کیگان، جروم؛ هنری ماسن، پاول (۱۳۷۴). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
- گلچین، مسعود (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی جوانان از آئینه پژوهش‌ها، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محمدپور، اسمعه (۱۳۸۰). پرخاشگری و بزهکاری در کودکان و نوجوانان، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- محمودی، ژاله (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی ارتکاب جرم در بین نوجوانان و راهکارهای پیشگیری.

مجله پژوهش‌های حقوقی قانون یار، دوره اول، شماره ۳.

- معظمی، شهلا (۱۳۸۸). بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

(ب) منابع لاتین

- Anderson, C. A. (۲۰۰۰). AGGRESSION. Encyclopedia of Sociology. ۲nd addition
- Bandura, A., Ross, D. , and Ross, S. (۱۹۶۳). Imitation of film-mediated aggressive models. In Greer, C. ۲۰۱۰ (Ed.). Crime and media: A reader. London: Routledge.
- Becker, G. S. (۱۹۶۸), "Crime and Punishment: An Economic Approach", Journal of Political Economy, ۷۶ (۲): ۱۶۹-۲۱۷.
- Chester, C. R. (۱۹۷۶). Perceived relative deprivation as a cause of property crime. Crime & Delinquency. Retrieved April ۲۶, ۲۰۰۷, from Sage Criminology database
- Demuth, S. , & Brown, S. (۲۰۰۴). Family structure, family processes, and adolescent delinquency: The significance of parental absence versus parental gender. Journal of Research in Crime and Delinquency, ۴۱(۱), ۵۸-۸۱.
- Gumus, Erdal (۲۰۰۴), Crime in urban areas: An empirical investigation. Akdeniz I. I. B. F. Dergisi, Volume ۷, pp. ۹۸-۱۰۹.
- Hassan, S. (۲۰۲۱). Parent and teacher based epidemiological survey of psychiatric morbidity amongst school children in Karachi, Pakistan. PhD thesis. Department of Health Sciences, University of Leicester.
- Hawkins, J. D. Lishner, D. M. , Jenson, J. M. , & Catalano, R. F. (۱۹۸۷). Delinquents and drugs: What the evidence suggests about prevention and treatment programming. In Youth at High Risk for Substance Abuse (DHHS Publication No. ADM ۸۷-۱۵۳۷), edited by B. S. Brown and A. R. Mills. Washington, DC: U. S. Government Printing Office, pp. ۸۱-۱۳۱.
- Loeber, R. & Stouthammer-Loeber, M. (۱۹۸۶). Family factors as correlates and predictors of juvenile conduct problems and delinquency. In M. Tonry

and N. Morris (Eds.), Crime and justice, vol. v. Chicago: University of Chicago Press

- McCord, J. , Widom, C. S. , and Crowell, N. A. , eds. (۲۰۰۱). Juvenile Crime, Juvenile Justice. Panel on Juvenile Crime: Prevention, Treatment, and Control. Washington, DC: National Academy Press.
- Postman, N. (۱۹۸۲). The disappearing child. In N. Postman, The disappearance of childhood (pp. ۱۲۰-۱۴۲). New York: Vintage.
- Shoemaker, D. J. (۲۰۱۸). Theories of delinquency: An examination of explanations of delinquent behavior (Google Book).

